

تحریم‌های ایالات متحده: آزمودن آزموده

مرتضی بهروزی فر*

سامیه کوکی**

چکیده

تحریم‌های اقتصادی، ابزاری برای دستیابی به اهداف و مقاصد سیاسی است. پیشینه کاربرد این ابزار بر پایه برخی مستندات به پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. تحریم‌های اقتصادی تا پیش از پایان جنگ بین‌الملل اول، مکملی برای اقدامات نظامی بود، ولی پس از آن، کشورهای عضو جامعه ملل، زیر تأثیر نتایج تحریم‌های برقرار شده در مورد کشورهای محور، توسل به سلاح اقتصادی را بعنوان ابزاری غیر نظامی در متن میثاق جامعه ملل گنجانده‌اند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در زمستان ۱۹۷۹، ایالات متحده آمریکا تا کنون بارها این ابزار را در مورد ایران به کار برده که مهمترین آنها ILSA است، ولی تهدید به مجازات شرکت‌هایی که در طرح‌های توسعه‌ای حوزه‌های جدید نفتی ایران سرمایه‌گذاری کنند، باعث تشویق همپیمانان اروپایی آمریکا برای همکاری نزدیک در راستای سیاست‌های ایالات متحده بر ضد ایران نشد. وضع قانون تحریم، برخورد منافع کشورهای دوسوی آتلانتیک را به سبب اعمال قوانین ایالات متحده در فراسوی مرزهای آن کشور تشدید کرد.

محدودیت‌های ایجاد شده از سوی آمریکا برای ایران و لیبی (و تا مدتی پیش برای عراق) با سیاست آمریکا برای تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی و افزایش عرضه جهانی نفت در تضاد است، زیرا تمایل آمریکا به تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی، به منظور کاهش خطر قطع شدن جریان انرژی از سوی گروه یا منطقه‌ای ویژه است.

از سویی، با توجه به جهانی شدن اقتصاد و کاهش موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌الملل، نرخ موفقیت تحریم‌ها بویژه هنگامی که یک جانبه وضع شده باشد، کاهش یافته است.

تحریم‌ها، گذشته از اثر مستقیم بر اقتصاد کشور یا کشورهای هدف تحریم، اثراتی بر اقتصاد جهانی و حتی کشور تحریم کننده نیز داشته است. بنابراین ایالات متحده افزون بر ناخشونود ساختن همپیمانان خود، امنیت عرضه انرژی را با خطر روبه‌رو ساخته و خود نیز هزینه‌هایی به صورت کاهش صادرات و از دست دادن بازارهای پرسود و نیز امکان سرمایه‌گذاری در ذخایر سرشار این کشورها تحمّل کرده است.

* عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشکده مطالعات بین‌المللی انرژی

** کارشناس مؤسسه پژوهشکده مطالعات بین‌المللی انرژی

که در يك سوی آن سخت‌ترین اقدامات قهر آمیز مانند کاربرد نیروی نظامی، فعالیت‌های پنهانی یا تهدید به کاربرد زور است و در سوی دیگر طیف، تدابیر دیپلماتیک، اخراج دیپلمات‌ها، احضار سفیر، اعتراض رسمی دیپلماتیک و به تعلیق در آوردن مبادلات فرهنگی. به تعبیری می‌توان گفت که برقراری تحریم‌های اقتصادی در میانه این طیف از اقدامات قرار می‌گیرد و بیشتر به جای کارهای یاد شده می‌نشینند. تدابیر سیاسی ممکن است چنان که باید و شاید مؤثر و کار آ نباشد؛ در همان حال، راهکارهای نظامی ممکن است افراطی به نظر برسد. به سخنی، تحریم‌ها «دندان دیپلماسی بین‌المللی را تیزتر می‌کند».^۷

○ تحریم‌های اقتصادی بعنوان ابزاری برای تأمین منافع سیاست خارجی يك کشور، در میانه طیفی قرار می‌گیرد که در يك سوی آن سخت‌ترین اقدامات قهر آمیز مانند کاربرد نیروی نظامی، فعالیت‌های پنهانی یا تهدید به کاربرد زور است و در سوی دیگر طیف، تدابیر دیپلماتیک، اخراج دیپلمات‌ها، احضار سفیر، اعتراض رسمی دیپلماتیک و به تعلیق در آوردن مبادلات فرهنگی. به تعبیری می‌توان گفت که برقراری تحریم‌های اقتصادی در میانه این طیف از اقدامات قرار می‌گیرد و بیشتر به جای کارهای یاد شده می‌نشینند. تدابیر سیاسی ممکن است چنان که باید و شاید مؤثر و کار آ نباشد؛ در همان حال، راهکارهای نظامی ممکن است افراطی به نظر برسد. به سخنی، تحریم‌ها «دندان دیپلماسی بین‌المللی را تیزتر می‌کند».

الف - پیشگفتار

ایالات متحده آمریکا، با مصرف، واردات خالص و تولید روزانه نزدیک به ۲۰، ۱۲/۳ و ۷/۲ میلیون بشکه نفت خام، بزرگترین مصرف‌کننده و واردکننده و نیز سومین تولیدکننده نفت خام در جهان و بعنوان نیرومندترین اقتصاد ملی جهان با کمابیش ۱۱ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی، بزرگترین بازیگر در پهنه انرژی جهان به‌شمار می‌رود. بنابراین سیاست‌ها و اقدامات این ابرقدرت اقتصادی، آثاری چشمگیر بر بازارهای جهانی انرژی و نیز تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی خواهد داشت.

یکی از اقدامات مهم آمریکا، تحریم‌های اقتصادی يك یا چندجانبه‌ای است که بر کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت عضو اوپک وضع کرده است. برای تحلیل و بررسی اثرات این تحریم‌ها، نخست باید تعریف روشنی از تحریم به دست دهیم.

تفاوت‌های معناداری میان تحریم و مقررات تجاری وجود دارد. مقررات تجاری عبارت از محدودیت‌هایی است که دولت‌ها در زمینه تجارت بین‌الملل اعمال می‌کنند که به‌ظاهر همان اثر تحریم‌های اقتصادی را دارد اما اهداف دیگری را دنبال می‌کند. این‌گونه محدودیت‌های تجاری، اهداف تعریف شده سیاست تجاری يك دولت است، درحالی که تحریم‌های اقتصادی، همچون ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی به کار گرفته می‌شود و دولت آمریکا برای پیش بردن سیاست خارجی خود به تحریم‌های اقتصادی روزافزون متوسل می‌شود.^۱ یا اینکه تحریم به معنای تدابیر قهر آمیز اقتصادی برضد يك یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌های آن کشور یا کشورها یا دست کم بازگو کننده نظر يك کشور درباره این‌گونه سیاست‌هاست.^۲

هافبویر،^۳ اسکات^۴ و الیوت،^۵ تحریم اقتصادی را به معنی متوقف کردن عمدی یا تهدید به توقف روابط معمول تجاری یا مالی از سوی يك دولت می‌دانند.^۶

تحریم‌های اقتصادی بعنوان ابزاری برای تأمین منافع سیاست خارجی يك کشور، در میانه طیفی قرار می‌گیرد

در نخستین مراحل، جامعه ملل دو کشور ضعیف را تحریم کرد و طرفداران تحریم از این تصمیم استقبال کردند. در ۱۹۲۱، تهدید به تحریم با هدف واداشتن یوگسلاوی به دست کشیدن از تلاش‌هایش برای تصرف خاک آلبانی مؤثر افتاد؛ در ۱۹۲۵ نیز یونان بر اثر همین فشارها ناگزیر شد از ادعاهای ارضی خود درباره قلمرو بلغارستان چشم‌پوشد.

اما وضع در مورد کشورهای نیرومندتر یکسره متفاوت بود. تجاوز ژاپن به منچوری در ۱۹۳۱ و تجاوز ایتالیا به اتیوپی در ۱۹۳۵ دو نمونه شکست جامعه ملل در کاربرد تحریم برای واداشتن متجاوزان به عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی بود.

بین دو جنگ جهانی، بیشتر تحریم‌ها به گونه‌ای با اقدام نظامی بستگی پیدا می‌کرد. حتی در جریان جنگ جهانی دوم برخی هدف‌ها که با توسل به تحریم دنبال می‌شد، ماهیت نظامی داشت. تحریم‌هایی که در زمان جنگ دوم جهانی برقرار شد به ظاهر مؤثر بود. محاصره دریایی اروپا و ژاپن و تلاش متفقین در جلوگیری از فرستاده شدن کالاهای استراتژیک از کشورهای بیطرف، در شکست آلمان و همپیمانانش (هرچند به گونه محدود) مؤثر بود. ژاپن که به واردات از آن سوی اقیانوس‌ها بسیار وابسته بود بیش از دیگران از این تحریم‌ها آسیب دید.

۲- تحریم‌ها پس از جنگ جهانی دوم

از آنجا که هماهنگی سیاستهای متفقین عامل مهمی در پیروزی آنها در جنگ جهانی دوم بود، منطبق حکم می‌کرد که همین رویکرد برای حفظ صلح در دوران پس از جنگ نیز حفظ شود. منشور سازمان ملل متحد در دوم ژوئن ۱۹۴۵ به امضاء رسید و بر پایه آن، پنج کشور بزرگ بعنوان اعضای اصلی شورای امنیت این اختیار را یافتند که از سوی دیگر اعضای سازمان تصمیم بگیرند و تعیین کنند که تحریم‌ها در چه زمان و چگونه اعمال شود. در منشور واژه «تحریم» نیامده است اما از تدابیری یاد شده که در واقع به معنای تحریم است، اختیار برقراری تحریم‌های اقتصادی به شورای امنیت واگذار شده است. بر پایه ماده ۳۹ منشور، چنانچه شورا به این نتیجه برسد که صلح

○ پس از پایان جنگ سرد، شورای امنیت بیش از گذشته ابزار تحریم را به کار گرفته است. از ۱۹۹۰ تاکنون عراق، یوگسلاوی، سومالی، لیبی، لیبریا، هائیتی، جبهه یونیتا در آنگولا، رواندا و افغانستان تحریم شده‌اند.

بدین سان، «تحریم‌های اقتصادی» به معنی اقداماتی غیر نظامی است که بر انتقال کالا، خدمات یا سرمایه به یک کشور، اثر زیانبار می‌گذارد و هدف از برقراری آن، تنبیه یا مجازات یا وارد ساختن آن کشور به همخوان کردن خود با اهداف سیاسی کشور تحریم کننده، یا گویای ناخرسندی کشور تحریم کننده از کارها و رفتارهای کشور تحریم شده است.

ب- بررسی تاریخی تحریم‌ها

۱- تاریخچه تحریم‌ها پیش از پایان جنگ دوم جهانی

گرچه تحریم‌ها و محاصره اقتصادی بیشتر به سیاست جهان معاصر مربوط است، اما کاربرد این شیوه در تاریخ پیشینه‌ای دراز دارد. شاید نخستین مورد مستند، به فرمان مگارین^۸ در یونان باستان باز گردد که در سال ۴۳۲ پیش از میلاد صادر شد.^۹

تا سال ۱۹۱۸، تحریم‌های اقتصادی، مکملی برای اقدامات نظامی بود. تنها پس از جنگ جهانی اول بود که اعمال تحریم به جای اقدامات نظامی مورد توجه جدی قرار گرفت.

یک دوره مهم در تاریخ تحریم‌های اقتصادی از برپایی جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول آغاز شد. کشورهای عضو که زیر تأثیر نتایج ظاهری تحریم‌های برقرار شده در مورد قدرت‌های محور (آلمان و همپیمانانش) در جریان جنگ بودند، کاربرد «سلاح اقتصادی» را بعنوان ابزاری غیر نظامی برای برقراری صلح در متن میثاق جامعه ملل گنجانده‌اند.

جنگ افزارهای ویژه کشتار جمعی از زمینه‌های برقراری تحریم بوده است. بر سرهم، از ۱۰۳ مورد تحریم اقتصادی از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰، آمریکا در ۷۹ تحریم شرکت داشته است. در همین مدت انگلستان ۱۳ و شوروی ۱۱ بار به تحریم دیگر کشورها دست زده‌اند.

گرچه تحریم اقتصادی همواره ابزار نیرومندی در سیاست خارجی آمریکا بوده، اما اکنون که جنگ سرد به پایان رسیده، اهمیت بیشتری یافته و بیشتر به کار گرفته می‌شود. در آمریکا از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶، ۶۱ قانون و دستور برای تحریم ۳۵ کشور جهان به تصویب رسیده و صادر شده است و دولت بر پایه ماده ۴۲ قانون فدرال، تاکنون بیش از ۱۵۰ بار دست به تحریم دیگر کشورها زده است.

پ - دلایل و هدفهای تحریم

در توجیه تحریم، دلایل بسیار آورده می‌شود: اثرگذاری

○ آمریکا سردمدار کاربرد تحریم‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی در سراسر جهان شناخته می‌شود. در نخستین سالهای جنگ سرد در دهه ۱۹۵۰ و سپس در دهه ۱۹۶۰، آمریکا در تلاش برای کنترل نفوذ کمونیسم، کشورهای کمونیستی و کشورهای را که با آنها روابط تجاری داشتند تحریم کرد؛ در دهه ۱۹۷۰، حقوق بشر به یکی از موضوعات کلیدی در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد؛ از اواخر دهه ۱۹۸۰، خطر تروریسم، مواد مخدر و گسترش جنگ افزارهای ویژه کشتار جمعی از زمینه‌های برقراری تحریم بوده است.

جهانی تهدید یا نقض شده است، می‌تواند به تحریم دست زند.^{۱۰}

گرچه این ماده تنها ناظر به تحریم‌های اقتصادی است، اما حیطه آن در عمل بسیار گسترده است. گذشته از تدابیر اقتصادی همچون ممنوع کردن واردات و صادرات یا مسدود کردن و توقیف دارایی‌های نقدی، این تدابیر می‌تواند برقراری محدودیت یا متوقف کردن ارتباطات و مبادلات فرهنگی مانند مبادلات دانشگاهی و مراودات ورزشی و نیز قطع مناسبات دیپلماتیک و سیاسی را نیز در برگیرد.

شورای امنیت در ۴۵ سال نخست عمر خود، تنها دویار دست به تحریم زد (برقراری محدودیت‌های مالی، اقتصادی و سیاسی برای حکومت نژادپرست ردهای جنوبی و نیز تحریم تسلیحاتی آفریقای جنوبی). در هر دو مورد، علت برقراری تحریم، نقض حقوق بشر و سوءاستفاده مقامات کشورهای یاد شده از قدرت، ذکر شده بود. البته گاهی وجود برخی مشکلات (چون نبود اجماع و اراده مشترک و استفاده یکی از اعضای دائم شورا از حق وتو) برقراری تحریم از سوی شورای امنیت را ناممکن می‌ساخت.

پس از پایان جنگ سرد، شورای امنیت بیش از گذشته ابزار تحریم را به کار گرفته است. از ۱۹۹۰ تاکنون عراق، یوگسلاوی، سومالی، لیبی، لیبیا، هائیتی، جبهه یونینا در آنگولا، رواندا و افغانستان تحریم شده‌اند.

آمریکا سردمدار کاربرد تحریم‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی در سراسر جهان شناخته می‌شود. این کشور در دوران پس از جنگ جهانی دوم با هدف محدود کردن دامنه قدرت و نفوذ اتحاد جماهیر شوروی، تحریم‌هایی در مورد برخی کشورها برقرار کرد. در نخستین سالهای جنگ سرد در دهه ۱۹۵۰ و سپس در دهه ۱۹۶۰، آمریکا در تلاش برای کنترل نفوذ کمونیسم، کشورهای کمونیستی و کشورهای را که با آنها روابط تجاری داشتند تحریم کرد؛ در دهه ۱۹۷۰، حقوق بشر به یکی از موضوعات کلیدی در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد؛ از اواخر دهه ۱۹۸۰، خطر تروریسم، مواد مخدر و گسترش

ت - چالش‌های فراروی بازارهای جهانی انرژی

با همه تلاشها در راه کاهش دادن وابستگی اقتصاد جهانی به نفت خام و فرآورده‌های نفتی، بر پایه برآورد نهادهای معتبر بین‌المللی، روند افزایشی مصرف نفت خام، همچنان ادامه خواهد یافت.

دبیرخانه اوپک پیش‌بینی کرده است که تقاضای جهانی نفت خام در سالهای ۲۰۱۰، ۲۰۱۵، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۵ به ترتیب ۸۸/۷، ۹۷/۱، ۱۰۵/۸ و ۱۱۴/۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود و کشورهای عضو اوپک به ترتیب ۳۴/۱، ۴۰/۶، ۴۸/۹ و ۵۸/۳ میلیون بشکه در روز از این تقاضا را تأمین خواهند کرد.^{۱۲}

بدین سان، برخی از مهمترین چالش‌های روبه گسترش در برابر بازارهای جهانی انرژی عبارت است از اینکه نخست، در ۲ دهه آینده باید ظرفیت تازه تولید نفت به گونه چشمگیر افزایش یابد تا رشد پایدار اقتصاد جهانی تضمین شود؛ دوم، این افزایش ظرفیت باید به اندازه‌ای باشد که ظرفیت مازاد تولید اطمینان بخشی نیز برای بازارهای جهانی پدید آید، و گرنه بازارهای جهانی انرژی با نوسانهای سخت روبه‌رو خواهد بود. با توجه به همه برآوردها و نیز وجود ذخایر هنگفت کشورهای عضو

بر سیاستهای يك کشور یا حتی تغییر نظام آن، تشبیه یا مجازات يك کشور به علت سیاستهایش و... گذشته از این، در برخی موارد تحریمها به این دلیل برقرار می‌شود که کشور تحریم کننده احساس می‌کند برای پیشبرد سیاستهای خود و جلب نظر دیگران باید دست به کاری بزند، آنهم در شرایطی که اقدام سیاسی به اندازه کافی نتیجه بخش به نظر نمی‌آید و کاربرد نیروی نظامی نیز تدریجی شمرده می‌شود.

منطق دیگری که در برقراری تحریمهای اقتصادی از آن یاد شده است، نشان دادن تصمیم و اراده برای اقدام است. این مورد بویژه درباره آمریکا راست می‌آید زیرا آن کشور برای نشان دادن عزم خود در رهبری جهان، به تحریم دست می‌زند.

به گونه فشرده، دلایل و اهداف وضع تحریم را می‌توان چنین برشمرد:

- اثر گذاری بر سیاستهای کشور دیگر یا حتی تغییر دادن نظام سیاسی آن؛
- گوشمالی يك کشور به علت سیاست‌هایش؛
- ابراز مخالفت نمادین با سیاستهای کشور هدف تحریم به دلایل گوناگون؛
- دادن اطمینان خاطر به مخاطبان در کشور تحریم کننده؛

● ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف، بیشتر به قصد تغییر دادن نظام سیاسی آن کشور؛

- کاهش توان نظامی کشور هدف؛
- پشتیبانی از حقوق بشر، رویارویی با تروریسم و جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی؛
- باز داشتن کشور تحریم شده از پیگیری برخی سیاستهای ناخوشایند در آینده؛

● اثبات این نکته به کشور تحریم شده که کشور تحریم کننده رفتارهای آنرا بر نمی‌تابد؛

- آگاه ساختن همپیمانان از این نکته که آنچه در چارچوب موضع گیری اعلام می‌شود، همراه با برخی اقدامات عملی است (نشان دادن اراده برای اقدام)؛

● روشن کردن این نکته برای برخی محافل در کشور تحریم شده که دولت تحریم کننده در پیگیری منافع ملی خود استوار است.^{۱۱}

○ گرچه تحریم اقتصادی همواره ابزار نیرومندی در سیاست خارجی آمریکا بوده، اما اکنون که جنگ سرد به پایان رسیده، اهمیت بیشتری یافته و بیشتر به کار گرفته می‌شود. در آمریکا از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶، ۶۱ قانون و دستور برای تحریم ۳۵ کشور جهان به تصویب رسیده و صادر شده است و دولت بر پایه ماده ۴۲ قانون فدرال، تاکنون بیش از ۱۵۰ بار دست به تحریم دیگر کشورها زده است.

○ موفقیت تحریم از دیدگاه يك ناظر، سیاست گذار و تحلیل گر، بر پایه‌هایی گوناگون ارزیابی می‌شود، با این حال در بهترین شرایط هم به سختی می‌توان تحریم‌های ایالات متحده در مورد ایران را موفقیت آمیز خواند.

می‌رود، وضع کرده‌اند، ولی همچنان روابط تجاری و سرمایه‌گذاری خود را با ایران در سطحی گسترده حفظ کرده‌اند.

ج - موفقیت تحریم‌ها

موفقیت «تحریم» از دیدگاه يك ناظر، سیاست گذار و تحلیل گر، بر پایه‌هایی گوناگون ارزیابی می‌شود، با این حال در بهترین شرایط هم به سختی می‌توان تحریم‌های ایالات متحده در مورد ایران را موفقیت آمیز خواند.

در پژوهش Schott و Elliot, Hufbauer (از مؤسسه اقتصاد بین‌الملل) در زمینه داوری درباره آستانه موفقیت تحریم‌ها، يك تحریم هنگامی موفق ارزیابی شده است که برقراری تحریم، اثری نسبی بر دستیابی به اهداف تعیین شده داشته باشد. برای نمونه، تحریم‌ها باعث آزادی گروگانهای آمریکایی در ۱۹۸۱ در ایران شد اما اثر اندکی بر سقوط نوریگا در پاناما داشت؛ بنابراین، مورد نخست موفق و دومی ناموفق ارزیابی می‌شود.

با اینکه آستانه موفقیت در سطح پایینی در نظر گرفته شده، این پژوهشگران دریافته‌اند که موفقیت تحریم‌ها، با جهانی‌تر شدن اقتصاد جهانی، هر چه بیشتر کاهش می‌یابد، زیرا کشور هدف تحریم می‌تواند در بهینه تجارت بین‌الملل، سرمایه و کالاهای مورد نیاز خود را با دشواریهای بسیار کمتری فراهم آورد.^{۱۵}

در پژوهشی که مؤسسه اقتصاد بین‌الملل انجام داده، ۱۱۵ تحریم اقتصادی اعمال شده از آغاز جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۸ بررسی و تحلیل شده است. این پژوهش،

لویک، بخش بزرگی از این افزایش ظرفیت تولید باید در کشورهای عضو اوپک رخ نماید که در نتیجه، سهم این سازمان در بازار (که در حال حاضر نزدیک به ۷۰ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان را در اختیار دارد)، افزایش خواهد یافت.

در کنار همه احتمالات و گمانه‌زنی‌ها، این اطمینان وجود دارد که در صورت تحقق نیافتن چنین افزایش ظرفیتی، هزینه‌های بلندمدت و سنگینی متوجه اقتصاد جهانی و بویژه اقتصاد ایالات متحده خواهد شد و نشانه‌های چنین وضعی در نیمه دوم دهه کنونی رخ خواهد نمود (نخستین نشانه‌ها با گذشتن بهای نفت WTI از مرز ۷۰ دلار در هر بشکه دیده شد).

در حالی که ایالات متحده نزدیک به ۲۵ درصد نفت خام تولید شده و کمابیش ۲۴ درصد انرژی اولیه جهان را مصرف می‌کند،^{۱۲} بعنوان بزرگترین مصرف کننده و وارد کننده انرژی، با این چالش‌ها روبه‌رو است، ولی به گونه مستقیم ابزارهای چندانی برای چیره شدن بر این چالش‌ها ندارد. یکی از مهمترین راهکارهای ایالات متحده، تشویق تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری در مناطق عمده تولید کننده انرژی و فراخواندن شرکت‌های آمریکایی به بازی کردن نقش برجسته در این تجارت و سرمایه‌گذاری تا اندازه ممکن است. اما سیاست‌های ایالات متحده و بویژه اعمال تحریم‌های اقتصادی در مورد برخی از تولیدکنندگان بزرگ نفت، این فرصت‌ها را بر باد داده است.

ث - آمریکا و تحریم ایران

محدودیت صدور کالاهای آمریکایی به ایران از سال ۱۹۸۴ افزایش یافت و ورود کالاهای ایرانی به آمریکا از اواخر ۱۹۸۷ یکسره ممنوع شد. قانون تکمیلی ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۶ در مورد تحریم ایران و لیبی^{۱۳} تجارت دوجانبه را که در آن شرکت‌های خارجی در سال بیش از ۴۰ میلیون دلار در حوزه‌های نفتی تازه ایران سرمایه‌گذاری کنند ممنوع ساخت (این سقف در ۱۹۹۷ به ۲۰ میلیون دلار در سال کاهش یافت). دیگر کشورها نیز تحریم‌هایی با هدف محدود کردن دسترسی ایران به محصولات و تکنولوژی‌هایی که برای تولید و حمل جنگ افزارهای هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک به کار

● کشوری که هدف تحریم قرار می‌گیرد اقتصادی بسیار کوچک‌تر و ضعیف‌تر از کشور تحریم‌کننده داشته و از دید سیاسی نیز بی‌ثبات باشد؛

● کشور تحریم‌کننده و کشور هدف تحریم، پیش از اعمال تحریم به یکدیگر وابسته باشند (با توجه به نتایج پژوهشها در مواردی که کشور تحریم‌کننده دست کم ۲۸ درصد تجارت کشور هدف را در اختیار داشته، تحریم موفق بوده است ولی در مواردی که این نسبت ۱۹ درصد یا کمتر بوده، تحریم با شکست روبه‌رو شده است).

● تحریم با سرعت و قاطعیت و حداکثر ظرفیت خود اعمال شود؛

● تحریم‌کننده، خطر پرداخت هزینه سنگین در سایه تحریم را از خود دور کرده باشد.

از ۱۱۵ مورد تحریم بررسی شده، ایالات متحده در ۷۸ مورد مشارکت داشته که یا به تنهایی آنها را اعمال کرده یا رهبری آنها را داشته است. پژوهشها نشان می‌دهد که ایالات متحده در این تحریمها کمابیش همان نتایج یاد شده

○ موفقیت تحریمها، با جهانی‌تر شدن اقتصاد جهانی، هر چه بیشتر کاهش می‌یابد، زیرا کشور هدف تحریم می‌تواند در پهنه تجارت بین‌الملل، سرمایه و کالاهای مورد نیاز خود را با دشواریهای بسیار کمتری فراهم آورد.

۳۵ درصد از تحریمها را موفق ارزیابی کرده و نتیجه گرفته است که يك تحریم هنگامی موفق خواهد بود که:

● هدف تحریم، به نسبت کوچک و بی‌اهمیت باشد. البته اگر بتوان برای تحریم به توافقهایی چندجانبه دست یافت، هدف می‌تواند به نسبت بزرگ و چشمگیر باشد، هر چند رسیدن چنین توافقی دشوار می‌نماید؛

جدول شماره ۱- اثربخشی تحریمهای تجاری بعنوان ابزار سیاست خارجی

درصد موفقیت	تحریم موفق	کل تحریمها		
۳۵	۴۰	۱۱۵	۱۹۱۴-۹۰	همه موارد
۵۰	۶	۱۲	۱۹۱۴-۴۵	
۴۴	۱۸	۴۱	۱۹۴۵-۶۹	
۲۶	۱۶	۶۲	۱۹۷۰-۸۹	
Na	Na	۵۰	۱۹۹۰-۹۸	
۵۳	۱۶	۳۰	۱۹۴۵-۶۹	تحریمهای چندجانبه
۲۱	۱۰	۴۹	۱۹۷۰-۸۹	با مشارکت آمریکا
Na	Na	۳۶	۱۹۹۰-۹۸	
۶۹	۱۱	۱۶	۱۹۴۵-۶۹	تحریمهای يك جانبه
۱۳	۵	۴۰	۱۹۷۰-۸۹	آمریکا
Na	Na	۱۲	۱۹۹۰-۹۸	

سال‌های ۱۹۴۵-۶۹ رخ داده و فقط نزدیک به ۱۳ درصد از تحریم‌ها در سال‌های ۱۹۷۰-۸۹، موفق بوده است. عواملی چند در این نتایج دخیل است اما بخش بزرگ این تغییر و تحولات، مربوط به جهانی شدن اقتصاد است. با توجه به این روند، تداوم تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده و حتی افزایش آن چندان توجیه‌پذیر نیست.^{۱۶}

چ - دگرگون شدن ترکیب کشورهای

تحریم‌کننده و کشورهای هدف تحریم

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به سازمان ملل این فرصت را داد که نقش برجسته‌تری در مسائل بین‌المللی بازی کند (برای نمونه، اعمال ۹ تحریم در دهه ۱۹۹۰ در برابر تنها ۲ تحریم پیش از ۱۹۹۰).

کشورهای هدف تحریم نیز در دهه ۱۹۹۰ تغییر یافته‌اند. اتحاد جماهیر شوروی پیشین و همپیمانانش ۱۲ بار در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ هدف تحریم کشورهای غربی قرار گرفتند؛ در دهه ۱۹۹۰ تحریم‌های کشورهای

جدول شماره ۲ - کشورهای تحریم‌کننده و تحریم‌شونده (۱۹۷۰-۱۹۹۸)

کشورهای تحریم‌کننده*	۱۹۷۰-۸۹	۱۹۹۰-۹۸
ایالات متحده	۵۲	۲۵
اروپای غربی	۷	۱۹
کشورهای شوروی سابق	۰	۶
سازمان ملل	**	۱۱
کشورهای تحریم‌شده		
آفریقا	۱۱	۱۹
آسیا	۱۴	۶
اروپای غربی	۶	۶
آمریکای لاتین	۱۹	۹
خاورمیانه	۶	۲
کشورهای شوروی سابق	۱۲	۸

* کشورهایی که به تنهایی اقدام به تحریم کرده‌اند یا نقش رهبری تحریم را بر عهده داشته‌اند.

** فقط دو مورد در دهه ۱۹۶۰ بر ضد آفریقای جنوبی و رودزای جنوبی اعمال شد.

Source: Gery Chyde Hufbauer, Jeffrey. Schott and Kimberly Ann Elliott, *Economic Sanctions Reconsidered*, 3rd ed, Washington DC. Institute For International Economics, 2001.

○ شمار تحریم‌های موفق ایالات متحده

(بویژه تحریم‌های یک‌جانبه) از سال ۱۹۷۰ کاهش یافته است. پیش از دهه ۱۹۷۰، تحریم‌هایی که ایالات متحده با همدستی دیگر کشورها یا به تنهایی اعمال کرده، بیش از ۵۰ درصد موفق بوده ولی این نرخ در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۰ به ۲۱ درصد کاهش یافته است.

نتایج تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا که سیاستگذاران آمریکایی در آنها از همکاری دیگر کشورها محروم بوده‌اند، از این هم بدتر بوده است.

در بالا را به دست آورده و بر سر هم ۳۵ درصد از تحریم‌هایی که آمریکا در آن مشارکت داشته، موفقیت آمیز بوده است. بعنوان یک نتیجه برجسته می‌توان گفت که شمار تحریم‌های موفق ایالات متحده (بویژه تحریم‌های یک‌جانبه) از سال ۱۹۷۰ کاهش یافته است. پیش از دهه ۱۹۷۰، تحریم‌هایی که ایالات متحده با همدستی دیگر کشورها یا به تنهایی اعمال کرده، بیش از ۵۰ درصد موفق بوده ولی این نرخ در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۰ به ۲۱ درصد کاهش یافته است.

نتایج تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا که سیاستگذاران آمریکایی در آنها از همکاری دیگر کشورها محروم بوده‌اند، از این هم بدتر بوده است.

نرخ موفقیت ۵۶ مورد تحریمی که آمریکا به تنهایی پس از جنگ دوم جهانی تا ۱۹۸۹ اعمال کرده، ۲۹ درصد بوده است، با این حال نزدیک به دو سوم این موارد موفق در

یابد، هزینه‌های مشابهی برای دیگر سالها نیز وجود خواهد داشت.^{۱۶}

هزینه ۲۰ میلیارد دلاری برای اقتصاد ایالات متحده شاید چندان چشمگیر نباشد، ولی سخت ملموس خواهد بود. گذشته از آن، این هزینه‌ها بر بخشی از اقتصاد و شرکت‌هایی تحمیل می‌شود که درگیر تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی‌اند و در عمل پیچیده‌ترین و رقابت‌آمیزترین بخش اقتصاد آمریکا را تشکیل می‌دهند.

این برآوردها چنانچه کالاهای تولید شده مشمول تحریم بتواند در دیگر بازارها مشتریان خود را بیابد، می‌تواند اغراق‌آمیز باشد. البته می‌توان استدلال کرد که اثرات انباشته، می‌تواند بسیار بیشتر از موارد ارائه شده در بالا باشد، زیرا از یک سو در تحلیل یاد شده جریان سرمایه و صدور خدمات نادیده انگاشته شده است؛ از سوی دیگر می‌توان انتظار داشت که آثار بلندمدت تحریمها برای صادرکنندگان کالاهای پیچیده و پیشرفته و تجهیزات زیرساختی، بسیار سخت‌تر از اثر آنها بر کل صادرات باشد.

در واقع بسیاری از بازرگانان آمریکایی از این گلایه دارند که آثار تحریمهای یک‌جانبه حتی بسیار محدود آمریکا، بخش مورد نظر و حتی کل اقتصاد آمریکا را دچار مشکل می‌کند و این آثار پس از اعمال تحریم، با

غربی در مورد جمهوریهای شوروی پیشین سخت کاهش یافت اما این جمهورها ۶ بار هدف تحریم‌های روسیه قرار گرفتند. دیگر دگرگونی، کاهش تحریمها در مورد کشورهای آمریکای لاتین و افزایش آن در مورد کشورهای آفریقایی بود. پایان جنگ سرد به معنای تقسیم و انتقال قدرت، نه تنها از واشنگتن و مسکو به پکن، لندن، پاریس و برلین بود، بلکه بخشی از این قدرت به دیگر بازیگران در پهنه بین‌المللی مانند سازمانهای غیر دولتی و مردمی نیز سپرده شد. جامعه تجاری نیز نقش چشمگیری در اعمال تحریمها بازی کرد.^{۱۷}

ح - هزینه تحریمها بر تراز بازرگانی

ایالات متحده

اعمال تحریم شاید برای کشور تحریم کننده سودی نداشته باشد، ولی بی‌گمان هزینه‌هایی برای آن کشور خواهد داشت. تحریمهای تجاری، ایالات متحده را از تجارت با برخی کشورها محروم ساخته و کالاهای صادراتی آمریکایی در پی با جریمه رویه‌رو شده است. همزمان با گسترش و افزایش تحریمهای آمریکا در ۲۰ سال پایانی سده گذشته، تنشها و اختلافات ایالات متحده با همسایگان و شرکای بازرگانی آن کشور در جهان رو به افزایش نهاده است.

هزینه آمریکا از اعمال تحریم در مورد ۲۶ کشور، به گونه کاهش صدور کالا در ۱۹۹۵، ۱۵ تا ۱۹ میلیارد دلار و (با تعمیم دادن این یافته‌ها) هزینه این تحریمها در ۱۹۹۹ نیز نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار بوده است. تحلیل‌های تجربی نشان می‌دهد که حتی تحریمهای محدود (مانند محدود کردن کمکهای خارجی یا تحریمهای بسیار محدود صادراتی) می‌تواند آثار گسترده‌ای بر جریان تجارت دوجانبه بگذارد. کاهش صادرات به ارزش ۱۵.۱۹ میلیارد دلار در ۱۹۹۵ یا ۲۰ میلیارد دلار در ۱۹۹۹، به معنی از دست رفتن دست کم ۲۰۰ هزار فرصت شغلی در بخشهای با درآمد بالای صادراتی است^{۱۸} که به معنی دست کم یک میلیارد دلار کاهش دستمزد در بخش صادرات است. به هر رو، برآوردها نشان می‌دهد که چنانچه همان تحریمها ادامه

○ هدف آمریکا از تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی، کاهش خطر قطع شدن جریان انرژی از سوی یک یا چند کشور یا منطقه‌ای ویژه است. بنابراین محدودیتهای پدید آمده از سوی آمریکا برای ایران و لیبی (و تا چندی پیش برای عراق) با سیاست آمریکا در راستای تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی و افزایش عرضه جهانی نفت، همخوانی ندارد.

○ برآوردها گویای آن است که اگر در سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۱ تحریم‌های وضع شده در مورد ایران، عراق و لیبی به درستی اجرا می‌شد، خطر از میان رفتن ۲/۵ درصد از عرضه نفت پیش می‌آمد و کاهش چنین حجمی از عرضه نفت خام می‌تواند به افزایش ۲۵ درصدی بهای نفت خام، افزایش سالانه ۱۶۰ میلیارد دلار بر هزینه مصرف‌کنندگان و کاهش سالانه بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی جهانی بینجامد. گفتنی است که برآوردهای یادشده، بر پایه سطوح بهای جهانی نفت در سال ۲۰۰۰ انجام شده است.

کاهش چشمگیر صادرات نشان دهد. ۲۰
بر سر هم، امروز تحریم‌های یک‌جانبه در اقتصاد جهانی که سخت دستخوش دگرگونی است، کاربرد خود را از

تاخیر بر بخشی که کالاهای آن از صلور به کشور هدف منع شده است، اثر خواهد گذاشت، زیرا شرکت‌های آمریکایی بعنوان عرضه‌کنندگان نامطمئن مطرح خواهند شد.

کشورهای تحریم شده حتی پس از لغو شدن این تحریمها، از خرید از عرضه‌کنندگان آمریکایی پرهیز خواهند کرد؛ بنابراین شرکت‌های آمریکایی مزیت رقابتی خود را حتی در دیگر بازارها از دست خواهند داد و امکان یافتن بازارهای صادراتی جایگزین برای کالاها و تکنولوژی آمریکایی دشوار خواهد بود و تقاضاکنندگان کالا و تکنولوژی آمریکا، تاجایی که بتوانند خواهند کوشید نیازهای خود را از عرضه‌کنندگانی تأمین کنند که عرضه کالا و خدمات آنها با قوانین سیاسی و بعنوان ایزاری سیاسی، قطع نشود. برای نمونه، تحریمها بر پایه ILSA (Iran and Libya Sanction Act) و قانون هلمز برتون، وضع عرضه‌کنندگان آمریکایی را بسیار بدتر و غیرقابل اعتماد کرده و صادرات ایالات متحده را نسبت به صادرات کشورهای OECD سخت تحت تأثیر قرار داده است. بعنوان يك مسئله عمومی، هزینه تحریمها برای کشور تحریم‌کننده (یا گروه کشورهای تحریم‌کننده) می‌تواند خود را در قالب

جدول شماره ۳- تغییرات بر آورد شده در تجارت جهانی پس از وضع تحریمها - ۱۹۹۵ (درصد)

محدوده تحریم وضع شده*	کشورهای مورد تحریم (صادرات و واردات)**	کشورهای OECD (فقط صادرات)	آمریکا (فقط صادرات)
تحریم محدود	***	۲۱/۵-	xxx
تحریم در محدوده متوسط	۳۱/۲-	۳۳/۱-	۶۸/۰-
تحریم گسترده	۹۱/۹-	۷۸/۰-	۹۶/۸-

* تحریم محدود شامل تجارت محدود، و تحریم مالی و فرهنگی مانند توقف کمک‌های خارجی یا محدودیت صادرات محدود کالا و تکنولوژی است. تحریمهای متوسط، سطح گسترده‌تری را دربر خواهند گرفت ولی تحریم‌های گسترده، همه تجارت و جریانهای مالی بین دو کشور را دربر می‌گیرد.

** ۸۸ کشور مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

*** باتوجه به پژوهش‌های انجام شده، این ضریب دست کم ۱۵.۲۰ درصد خواهد بود.

Source: Kimberly Ann Elliott, Evidence on The Costs and Benefits of Economic Sanctions, US House of Representatives Washington DC, October, 23, 1997.

(ILSA) را همیمانان اروپایی آمریکا پشتیبانی و پیگیری نکردند (هرچند انتقال برخی کالاهای نظامی و تکنولوژی متوقف شد). این تحریمها همانند هر تحریم دیگر آثاری بر کشورهای هدف داشت، هرچند این آثار را می‌شد با هزینه‌ای که به اقتصاد آمریکا تحمیل شد، سنجید.

در مورد تحریم ایران، آمریکا با مشکلات گوناگون با همیمانان اروپایی خود روبرو شد، زیرا آن کشورها، منافع استراتژیک و اقتصادی مهمی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه دارند.

از دیگر هزینه‌های مستقیم اقتصادی آمریکا در سایه اعمال تحریمها بر ایران، عدم النفع تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران است. مهمترین زیان ناشی از تحریم سرمایه‌گذاری نفتی در ایران، زیان ناشی از نخریدن نفت ایران و نیز انقراض قرارداد کونوکو برای توسعه حوزه سیری در فلات قاره ایران و مورد دیگر کاهش صادرات آمریکا به ایران بوده است.

گفتنی است که چنانچه تحریمها در مورد ایران دست کم در میان مدت پابرجا و عراق نیز همچنان دستخوش آشوب باشد، تمرکز تولید جهانی نفت بر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس افزایش خواهد یافت.

هدف آمریکا از تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی، کاهش خطر قطع شدن جریان انرژی از سوی یک یا چند کشور یا منطقه‌ای ویژه است. بنابراین محدودیتهای پدید آمده از سوی آمریکا برای ایران و لیبی (و تا چندی پیش برای عراق) با سیاست آمریکا در راستای تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی و افزایش عرضه جهانی نفت، همخوانی ندارد.

این تحریمها، تلاش کشورهای آسیای میانه و قفقاز را برای یافتن مسیرهای جایگزین صادراتی که وابستگی آنها را به روسیه کاهش دهد، دشوار ساخته است. خاک ایران کوتاه‌ترین، اقتصادی‌ترین و امن‌ترین راه برای انتقال نفت و گاز این کشورها به بازارهای جهانی انرژی است ولی این راه در سایه تحریمهای اعمال شده، از دسترس کشورهای آسیای میانه و قفقاز

○ با اینکه آمریکا بعنوان بزرگترین مصرف‌کننده و واردکننده انرژی جهان، نیازی بی‌چون و چرابه عرضه کافی و امنیت عرضه انرژی دارد، در دو دهه گذشته، برخی از عرضه‌کنندگان بزرگ انرژی را تحریم کرده یا در تحریم این کشورها نقش رهبری داشته است.

دست داده و بسیار پر هزینه شده است.

در چنین شرایطی، تحریم در صورتی موفق خواهد بود که همه عرضه‌کنندگان آن کالا، تکنولوژی یا خدمات یکسره و بی‌هرگونه تقلب از آن پشتیبانی کنند. تحریم باید به دقت طرح‌ریزی و با شدت و بی‌اغماض اجرا شود؛ وگرنه شانس چندانی برای موفقیت نخواهد داشت.

چنانچه کشور هدف تحریم کوچک و ضعیف باشد، احتمال موفقیت تحریم بیشتر است. کشورهای دارای رژیم نیمه دموکراتیک که نسبت به افکار عمومی جهان حساس هستند، در برابر تحریمها در سنجش با کشورهای بسته و با رژیم دیکتاتوری، حساس‌ترند. به سخن دیگر، تحریم آفریقای جنوبی در سنجش با تحریم عراق (در دوران زمامداری صدام حسین) و لیبی، با احتمال موفقیت بیشتری روبرو است. اگر تحریمها با سرعت و قاطعانه به اجرا درآید، احتمال موفقیت آنها افزایش می‌یابد، هرچند اقدام قاطع، نیازمند هماهنگی و همکاری چندجانبه است.

بژوهشها نشان می‌دهد کشورهایی که روابط تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری چشمگیر با کشور تحریم‌کننده دارند، در برابر تحریمها حساس هستند اما نبود پیوندهای بازرگانی و مالی نیرومند میان تحریم‌شونده و تحریم‌کننده، هزینه‌های گریزناپذیری برای کشور تحریم‌کننده به بار می‌آورد.

تحریم همه‌جانبه ایالات متحده در مورد ایران و لیبی

با آمریکا می‌تواند به دلایل گوناگون سیاسی یکباره بی‌اثر شود، سخت کاهش می‌یابد.

بنابراین، یکی از هزینه‌های غیر مستقیم تحریمها، از سیاسی شدن روابط بازرگانی مایه می‌گیرد. برخورد با ایران در سایه ILSA، نمونه روشنی از تأثیر نیت غیر تجاری بویژه ملاحظات سیاسی در زمینه تجارت است. اقتصاددانان، اقتصادی را کارا می‌دانند که جدا از مسائل سیاسی عمل کند. در کنار ملاحظات عمومی، چنانچه سوداگران جهانی دریابند که آمریکا شریکی غیر قابل اعتماد و بی‌ثبات است، آن کشور با دشواریهای گوناگون رویرو خواهد شد.

آخرین و شاید مهمترین نکته، هزینه تقابل منافع با دیگر قدرتهای اقتصادی و سیاسی جهان است. دولت‌های اروپایی از اقدامات یک‌جانبه آمریکا به خشم آمده‌اند. ILSA در کنار قانون هلمزبرتون و برخی موارد دیگر، گواهی بر این واقعیت است که آمریکا می‌کوشد اروپا را به پذیرش مواضعی وادارد که گرایشی به آنها ندارد.

احساس ناعادلانه بودن فشارهای ایالات متحده، به روابط این کشور و همپیمانانش سخت ضربه می‌زند و از اتخاذ مواضع مشترک در مسائل ویژه جلوگیری می‌کند (همانند نبود توافق بر سر حمله به عراق یا اقدامات مشترک بر ضد ایران). تهدید به مجازات شرکت‌هایی که در طرح‌های توسعه‌ای حوزه‌های تازه نفتی ایران سرمایه‌گذاری کنند، همیمانان اروپایی آمریکا را به همکاری نزدیک با ایالات متحده در اجرای سیاست‌هایش بر ضد ایران وادار نکردند. وضع قانون تحریم، برخورد منافع کشورهای دوسوی آتلانتیک را در سایه اعمال قوانین ایالات متحده در فراسوی مرزهای آن کشور افزایش داد و این نکته را تأیید کرد که آمریکا، قوانین سازمان جهانی بازرگانی (WTO) را زیر پا گذاشته است.

خ - آثار تحریمها در مورد سه کشور عضو

اوپک بر بازار جهانی انرژی

در این بخش به اثر تحریم‌های اعمال شده در مورد سه تولیدکننده بزرگ نفت اوپک (ایران، عراق و لیبی)

جدول شماره ۲- تراز بازرگانی آمریکا با ایران

میلیون دلار

سال	صادرات	واردات	تراز تجاری
۱۹۸۵	۷۴	۷۵۲/۳	-۶۵۱/۳
۱۹۸۶	۳۴/۱	۵۶۹	-۵۳۴/۹
۱۹۸۷	۵۴/۱	۱۶۶۷/۵	-۱۶۱۳/۴
۱۹۸۸	۸۰/۶	۸/۹	۷۱/۷
۱۹۸۹	۵۵/۱	۸/۶	۴۶/۵
۱۹۹۰	۱۶۲/۵	۶/۸	۱۵۵/۷
۱۹۹۱	۵۲۷/۵	۲۳۰/۷	۲۹۶/۸
۱۹۹۲	۷۴۷/۴	۰/۸	۷۴۶/۶۰
۱۹۹۳	۶۱۶/۲	۰/۲	۶۱۶
۱۹۹۴	۳۲۸/۹	۰/۹	۳۲۸
۱۹۹۵	۲۷۷/۳	۰/۲	۲۷۷/۱
۱۹۹۶	۰/۳	۰	۰/۳
۱۹۹۷	۱/۱	۰/۱	۱
۱۹۹۸	Na	Na	Na
۱۹۹۹	۴۸/۱۰	۲/۴۰	۴۵/۷
۲۰۰۰	۱۶/۸	۱۶۸/۸	-۱۵۲
۲۰۰۱	۸/۱	۱۴۳/۴	-۱۳۵/۳
۲۰۰۲	۳۱/۹	۱۵۶/۳۰	-۱۲۴/۴
۲۰۰۳	۹۸/۹	۱۶۱/۳	-۶۲/۳
۲۰۰۴	۸۵/۱	۱۵۱/۶	-۶۶/۵
*۲۰۰۵	۷۶/۸	۱۴۲/۹	-۶۶/۱

* ۹ ماهه نخست

Source: US Census Bureau, Foreign Trade Division, Data Dissemination Branch, Washington DC.

دور مانده است.

دیگر هزینه برای آمریکا از این تحریمها این است که صنعت نفت ایالات متحده بعنوان یک شرکت تجاری غیر قابل اعتماد شناخته می‌شود. آمریکا در همه زمینه‌های مربوط به نفت از اکتشاف، حفاری و... تا بازاریابی و تجارت، در عمل حرف اول را در صنعت نفت می‌زند ولی، قدرت رقابت تکنولوژی بی‌مانند ایالات متحده در سایه این واقعیت که هرگونه معامله و قراردادی

محدود کرد، ولی از ۱۹۹۶ رفته رفته اثر خود را از دست داد.

نکته مهم اینکه تحریم‌های يك جانبه بی اثر نمی توان با ناگزیر کردن دیگر کشورها به پیوستن به آن، به تحریم‌های چندجانبه تبدیل کرد. برای نمونه، قانون تحریم ایران و لیبی سبب نشد که دیگر کشورها به پشتیبانی از تحریم این دو کشور بپردازند.

نخستین اثر مهم تحریم‌های اعمال شده، کاهش عرضه جهانی نفت و در نتیجه، افزایش هزینه کشورهای بزرگ مصرف کننده است، زیرا کاهش تولید در این نواحی، نمی تواند در دیگر مناطق جهان جبران شود.

در يك بازار جهانی باز، تحریم‌های يك جانبه چندان کارایی ندارد و نمی تواند سبب نگرانی ژرف شود. اما تحریم‌های چندجانبه، می تواند آثاری زیانبار بر بازار داشته باشد. به دنبال تحریم‌های چندجانبه در مورد عراق پس از یورش نیروهای عراقی به کویت، به علت افزایش تولید دیگر کشورهای تولیدکننده، بویژه تولیدکنندگان عضو اوپک و بیش از همه عربستان، کنار رفتن عراق و کویت از بازار جهانی نفت، اثر چندان بی مصرف کنندگان انرژی نگذاشت، ولی با توجه به کاهش ظرفیت مسازاد تولید و افزایش سهم بازار اوپک در دهه ۱۹۹۰، رفته رفته نیاز به بازنگری در تحریم‌های عراق احساس شد.

پیش‌بینی می شد که سه کشور تحریم شده ایران، عراق و لیبی، در سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۲، نزدیک به ۴۰ درصد از افزایش ظرفیت مورد انتظار اوپک را به خود اختصاص دهند. بدین سان، اثر تحریم‌ها بر بازارهای جهانی انرژی در بلندمدت چشمگیر خواهد بود.

برآوردها گویای آن است که اگر در سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۱ تحریم‌های وضع شده در مورد ایران، عراق و لیبی به درستی اجرا می شد، خطر از میان رفتن ۲/۵ درصد از عرضه نفت پیش می آمد و کاهش چنین حجمی از عرضه نفت خام می تواند به افزایش ۲۵ درصدی بهای نفت خام، افزایش سالانه ۱۶۰ میلیارد دلار بر هزینه مصرف کنندگان و کاهش سالانه بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی جهانی بینجامد.^{۲۱} گفتنی است که برآوردهای یادشده،

بر بازارهای جهانی انرژی می پردازیم. تحریم‌های يك جانبه در بیشتر موارد کارایی چندانی نداشته و در برابر هزینه فرصت چشمگیر آن برای آمریکا، آثار به نسبت ناچیزی بر تولیدکنندگان هدف تحریم گذاشته است زیرا تنها شرکت‌های آمریکایی از بازارهای گسترده و پر سود، محروم شده‌اند. برای نمونه، پس از آنکه سرمایه‌گذاری شرکت کونوکو در ۱۹۹۵ با دستور رییس جمهوری ایالات متحده ملغی شد، بی درنگ به دست شرکت‌های غیر آمریکایی افتاد.

از سویی، درحالی که برخی از تحریم‌های چندجانبه در کوتاه مدت اثر بخشی دارد (بویژه اگر با نیروی نظامی پشتیبانی شود)، رفته رفته کارایی خود را از دست خواهد داد. تحریم‌های چندجانبه که در مورد عراق پس از تجاوزش به کویت برقرار شد، عرضه نفت عراق را برای چند سال

جدول شماره ۵- برآورد کاهش صادرات آمریکا به

کشورهای ایران، عراق و لیبی

میلیون دلار

سال	ایران	عراق	لیبی	جمع
۱۹۸۷	۱۱۷۳	۰	۳۴۵	۱۵۱۸
۱۹۸۸	۱۱۳۶	۰	۳۵۲	۱۴۸۸
۱۹۸۹	۱۶۸۲	۰	۵۱۵	۲۱۹۷
۱۹۹۰	۱۰۴۴	۰	۴۶۰	۱۵۰۴
۱۹۹۱	۱۳۶۳	۰	۷۱۷	۲۰۸۰
۱۹۹۲	۹۸۲	۰	۴۶۹	۱۴۵۱
۱۹۹۳	۱۱۲۵	۰	۶۱۰	۱۷۳۵
۱۹۹۴	۷۳۴	۰	۴۱۵	۱۱۴۹
۱۹۹۵	۷۸۳	۰	۴۴۶	۱۲۲۹
۱۹۹۶	۱۲۳۰	۱۴۷	۶۸۳	۲۰۶۰
۱۹۹۷	۱۶۰۶	۳۲۵	۷۳۳	۲۶۶۴
۱۹۹۸	۱۵۴۷	۶۲۳	۶۱۵	۲۷۸۵

Source: Askari H, Forrer J, Teegen H, Yang J. US Economic Sanctions: An Empirical Study, The GW Center for The Study of Globalization, Feb 2003.

بر پایه سطوح بهای جهانی نفت در سال ۲۰۰۰ انجام شده است.

گذشته از این موارد، کاهش ظرفیت ناشی از این تحریمها با توجه به محدودیت ظرفیت تولید اوپک، از رقابت زیانبار اعضای این سازمان با یکدیگر جلوگیری می‌کند و عاملی مهم و کلیدی در حفظ مصالح تولید کنندگان و به زیان مصرف کنندگان انرژی خواهد بود؛ هر چند این آثار خود به خود باعث خواهد شد تا این تحریمها یکسره از میان برداشته شود.

بدین سان، گرچه تحریمها به محدود شدن ظرفیت تولید کشورهای هدف تحریم می‌انجامد، ولی در برابر، با افزایش قیمت، درآمد این کشورها و بر سرهم درآمد تولید کنندگان نفت افزایش چشمگیر خواهد یافت، به گونه‌ای که این افزایش قیمت‌ها، حتی می‌تواند کاهش درآمد ناشی از کاهش عرضه کشورهای هدف تحریم را جبران کند و دیدیم که چگونه با گذشتن بهای نفت خام شاخص آمریکا از مرز ۷۰ دلار در هر بشکه و بهای سید اوپک از ۶۰ دلار در هر بشکه، درآمد اسمی کشورهای عضو اوپک به سطوحی افسانه‌ای رسید.

بر پایه بررسیهای توماس استافر تحلیل گر آمریکایی، تولید هر بشکه نفت خشکی در ایران، عراق، کویت و عربستان یک تا چهار دلار هزینه دارد. هزینه ایجاد یک بشکه ظرفیت تولید اضافی، در عراق کمتر از پنج هزار دلار و در ایران نزدیک به ۶ هزار دلار است.^{۲۲} با وجود این مزیت چشمگیر، تحریمهای آمریکا در مورد ۳ کشور عضو اوپک، با توجه به برنامه‌های اعلام شده

○ راهکار خردمندانه این است که با پرهیز از برخورد های احساسی، در راه پاسداری از منافع ملی گام برداریم و با بهره‌گیری از نظر کارشناسان، به بهترین و کم هزینه‌ترین گزینه‌ها رو کنیم و در پرتو اعتماد سازی و گفتگوهای سازنده، زمینه برچیده شدن تحریم‌ها را فراهم آوریم.

این کشورها، دست کم ۴/۷ میلیون بشکه از ظرفیت تولید این سه کشور را در آستانه هزاره‌نو از بازار خارج کرده است.

گفتنی است که با توجه به برنامه سوم توسعه ایران، برنامه‌ریزی شده بود که ظرفیت تولید نفت خام کشور در پایان سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) به ۵/۹ میلیون بشکه در روز افزایش یابد، اما به علت ادامه یافتن تحریمها و جذب نشدن سرمایه و تکنولوژی لازم، با همه تلاشهای مدیران و کارکنان صنعت نفت کشور، ظرفیت تولید ایران در سال ۲۰۰۵ کمتر از ۴/۲ میلیون بشکه در روز بود که دست کم ۱/۵ میلیون بشکه در روز کمتر از ظرفیت پیش‌بینی شده است.

با توجه به بررسیهایی که در این زمینه انجام شده است،

جدول شماره ۶ - مقایسه برنامه تولید و عملکرد تولید کشورهای زیر تحریم^{۲۳}

نام کشور	برنامه تولید در سال ۲۰۰۰	عملکرد تولید در سال ۲۰۰۰	تفاوت برنامه و عملکرد
ایران	۵۰۰۰	۳۸۱۸	۱۱۸۲
عراق	۶۰۰۰	۲۵۸۳	۳۴۱۷
لیبی	۱۶۵۰	۱۴۷۵	۱۷۵
		مجموع تفاوت عملکرد و برنامه	۴۷۷۴

گذشته می بود. بدین سان حتی اگر تحریمها به گونه مؤثر و کارا اعمال شود و به صورت کاهش عرضه این کشورها خود را نشان دهد، با افزایش در آمد این کشورها، این ابزار به ضد خود تبدیل خواهد شد و کاهش در آمد ناشی از کاهش عرضه، با هزینه مصرف کنندگان جبران خواهد شد و حتی در برخی موارد از نظر در آمدی به سود کشورهای تحریم شده خواهد بود.

به ظاهر تحریمها، ابزاری است در دستان سیاستگذاران آمریکا که با آن می توانند بازارهای جهانی انرژی را در کنترل خود داشته باشند؛ همان گونه که در مسئله تحریمهای شورای امنیت سازمان ملل در مورد عراق، پس از چند سال تحریم کامل آن کشور که صادرات عراق را تنها به صادرات قاچاق محدود کرده بود، در ۱۴ آوریل ۱۹۹۵ به عراق اجازه داده شد در چارچوب برنامه نفت در برابر غذا، نفت خام صادر کند که حجم این صادرات نیز در دورههای ۶ ماهه و البته با توجه به شرایط بازار و در عمل از سوی آمریکا، مشخص می شد.

د - بهره سخن

از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، ایالات متحده بارها ابزار تحریم را بر ضد ایران به کار گرفته که نخستین مورد آن پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران بوده است. ولی یکی از غیرعادیترین این تحریمها، تهدید به تحریم سرمایه گذاران در صنعت نفت و گاز کشور است (ILSA). تهدید به مجازات شرکتهایی که در طرحهای توسعه ای حوزه های تازه نفتی ایران سرمایه گذاری کنند، باعث تشویق همپیمانان اروپایی آمریکا به همکاری نزدیک با ایالات متحده در راستای سیاستهای آن کشور بر ضد ایران نشد. وضع قانون تحریم، برخورد منافع کشورهای دوسوی آتلانتیک را به علت اعمال قوانین ایالات متحده در فراسوی مرزهای آن کشور افزایش داد و این نکته را تأیید کرد که آمریکا قوانین سازمان جهانی بازرگانی (WTO) را زیر پا نهاده است.

با اینکه آمریکا بعنوان بزرگترین مصرف کننده و واردکننده انرژی جهان، نیازی چون و چرا به عرضه کافی و امنیت عرضه انرژی دارد، در دو دهه گذشته، برخی از

○ ایران کناره شمالی خلیج فارس را در اختیار دارد؛ منطقه ای که نزدیک به دو سوم ذخایر نفت خام جهان و بیش از ۴۰ درصد ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان را در خود جای داده است. تنگه هرمز نیز باریکه ای است که کمابیش دو سوم تجارت بین المللی نفت خام جهان از راه آن صورت می پذیرد. بدین سان، هرگونه ماجراجویی در این منطقه حساس، بی گمان آثاری سنگین و دیرپا بر بازارهای جهانی انرژی، امنیت عرضه انرژی و اقتصاد جهان خواهد گذاشت.

افزایش یک میلیون بشکه در روز به عرضه جهانی نفت خام، باعث ۲ تا ۳ دلار کاهش بهای سبد نفتی اوپک خواهد شد^{۲۴} یا بر پایه برآوردهای دبیرخانه اوپک، افزایش یک میلیون بشکه به عرضه جهانی نفت، به ۳ تا ۴ دلار کاهش بهای سبد نفتی اوپک خواهد انجامید^{۲۵}، یا اضافه تولید به میزان یک میلیون بشکه در روز نسبت به سهمیه تعیین شده، باعث ۳/۹ دلار کاهش بهای سبد نفتی اوپک خواهد شد^{۲۶} (گفتنی است که ارقام محاسبه شده با توجه به سطوح قیمتی در حد ۲۰ دلار در هر بشکه بوده است؛ بنابراین با افزایش سطح قیمتها، این تفاوتها هم بیشتر خواهد شد).

بنابراین با توجه به کاهش ظرفیت تولید بالقوه ایران، عراق و لیبی دست کم تا ۴/۷ میلیون بشکه در روز، بهای نفت در بازارهای جهانی (با نوسانهای ناشی از تحریمها) بیش از واقع بوده است. بنابراین در صورت نبود تحریمها در مورد این سه کشور و سرزیر شدن ۴.۵ میلیون بشکه نفت در روز به بازارهای جهانی انرژی یا دست کم افزوده شدن این حجم به ذخایر مازاد تولید (آثار روانی بر بازارهای جهانی و ایجاد امکان تخلف از تولید)، بر پایه بررسیهای انجام شده، بهای سبد نفتی اوپک باید دست کم ۹ دلار کمتر از بهای سالیان

عرضه کنندگان بزرگ انرژی را تحریم کرده یا در تحریم این کشورها نقش رهبری داشته است. محدودیتهای ایجاد شده از سوی آمریکا برای ایران و لیبی و تا مدتی پیش برای عراق، با سیاست آمریکا در راستای تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی و افزایش عرضه جهانی نفت در تضاد است.

از سوی، با توجه به جهانی شدن اقتصاد و کاهش موانع موجود بر سر راه تجارت بین الملل، نرخ موفقیت تحریمها بویژه هنگامی که به صورت یک جانبه وضع شده باشد، کاهش یافته است.

تحریم‌های اعمال شده در مورد کشورهای هدف تحریم، گذشته از اثر مستقیم بر اقتصاد کشورهای تحریم شده، آثاری بر اقتصاد جهانی و حتی کشور تحریم کننده نیز داشته است. بر پایه پژوهشهای انجام شده، تحریم‌های اعمال شده از سوی ایالات متحده در ۱۹۹۹ معادل ۲۰ میلیارد دلار از صادرات کالاهای آن کشور را کاهش داده و ۲۰۰ هزار نیروی کار را از چرخه تولید بیرون رانده است و در سالهای ۹۸-۱۹۸۷، صدور کالاهای ایالات متحده به ایران، لیبی و عراق، بر سر هم بیش از ۲۱ میلیارد دلار کاهش یافته است. از این رو ایالات متحده گذشته از ناخشنود ساختن همیمانان خود، امنیت عرضه جهانی انرژی را به مخاطره انداخته و خود نیز هزینه‌هایی به صورت کاهش صادرات و از دست دادن بازارهای پرسود و نیز امکان سرمایه گذاری در ذخایر غنی این کشورها، تحمل کرده است.

این تحریمها آثار چشمگیری نیز بر اقتصاد جهانی گذاشته است. برآوردها گویای آن است که اگر در سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۱ تحریمها در مورد ایران، عراق و لیبی به درستی اعمال می‌شد، ۲/۵ درصد از عرضه نفت در معرض خطر حذف شدن قرار می‌گرفت که کاهش چنین حجمی از عرضه نفت خام می‌تواند به افزایش ۲۵ درصدی بهای نفت خام، افزوده شدن سالانه ۱۶۰ میلیارد دلار بر هزینه مصرف کنندگان و کاهش بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال تولید ناخالص داخلی جهانی بینجامد.

بدین سان با توجه به کاهش ظرفیت تولید بالقوه

ایران، عراق و لیبی دست کم به میزان ۴/۷ میلیون بشکه در روز در آستانه هزاره نو، به علت تحریم‌های آمریکا در مورد ایران و لیبی و سازمان ملل در مورد عراق، بهای نفت در بازارهای جهانی (با نوسان ناشی از تحریمها) بیش از واقع بوده است. در صورت نبود تحریمها در مورد سه کشور مورد بررسی، بهای سبد نفتی اوپک می‌بایست ۹ تا ۲۰ دلار در هر بشکه کمتر از بهای سالیان گذشته می‌بود. بنابراین حتی اگر تحریمها به گونه مؤثر و کارا اعمال شود و باعث کاهش عرضه نفت این کشورها شود، با افزایش درآمد این کشورها، این ابزار به ضد خود تبدیل خواهد شد و کاهش درآمد ناشی از کاهش عرضه، با هزینه مصرف کنندگان جبران خواهد شد و حتی در برخی موارد از دید درآمدی به سود این کشورها خواهد بود؛ هر چند بی‌گمان کشورهای هدف تحریم نیز هزینه‌هایی متحمل شده‌اند: کاهش ارزش پول ملی، دسترسی نیافتن به تکنولوژی و سرمایه آمریکایی، از دست دادن بازار آمریکا و... بر پایه برآوردها، کشورهای آسیای میانه تا سال ۲۰۲۰ روزانه ۲/۲ میلیون بشکه صادرات نفت خام خواهند داشت و باید مازاد گاز تولیدی خود را نیز به بازارهای جهانی انرژی منتقل کنند. با وجود تحریمهای ایالات متحده، ایران این فرصت بزرگ را از دست خواهد داد و با از دست رفتن این فرصت، گذشته از به مخاطره افتادن موقعیت استراتژیک ایران به علت نگذشتن خطوط لوله نفت و گاز این کشورها از خاک ایران، سبب از دست رفتن دست کم یک میلیارد دلار در سال حق ترانزیت خواهد شد. ایران برای جذب شرکت‌های غیر آمریکایی و ترغیب آنها به سرمایه گذاری در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی خود با وجود تحریمهای آمریکا، ناگزیر بوده و هست که هزینه‌های بیشتری بپردازد و این هزینه‌ها در سالهای ۱۳۷۶-۸۲ شمسی با برآوردی محافظه کارانه، بیش از ۵ میلیارد دلار بوده است.

بدین سان با وجود همه تلاشها، تحریمهای ایالات متحده در مورد ایران، گذشته از اینکه به فعلیت درآمد پتانسیل‌های ایران در زمینه تولید نفت و گاز و دستیابی کشور به جایگاه خود در بازار جهانی انرژی را به تأخیر

12. OPEC, 2004

13. BP, 2005

14. Iran and Lybia Sanction Act (ILSA)

15. Hufbauer, ..., 1999

16. Hufbauer, 2001

17. Ibid.

۱۸. وزارت بازرگانی آمریکای برآورد کرده است که در ۱۹۹۲ یک میلیارد دلار کالاهای صادراتی، به معنی ۱۵۵۰۰ شغل است که با توجه به تعدیل انجام شده در زمینه افزایش کارایی و بهره‌وری، این میزان اشتغال در ۱۹۹۵ معادل ۱۳۸۰۰ شغل برآورد می‌شود. بنابراین با توجه به ۱۵.۱۹ میلیارد دلار کاهش صادرات در ۱۹۹۵، ۲۰۰ تا ۲۶۰ هزار شغل از دست رفته است (Department of Commerce, 1996).

19. Hufbauer, 2000

20. Elliot, 1997

21. Porter, 2001

22. Enav, 1998

۲۳. در مورد این جدول گفتنی که شاید بتوان عنوان کرد که تولید و ظرفیت تولید دو مقوله جدا از هم است و بویژه در مورد عراق که در سال ۲۰۰۰ در چارچوب قطعنامه نفت در برابر غذا نفت صادر می‌کرد این مسئله بیشتر قابل توجه است، اما نباید از نظر دور داشت که ایران جز نخستین سالهای پس از انقلاب که ایران به علت سیاست نگهداشت ذخایر برای نسل‌های آینده اقدام به کاهش تولید خود کرد، در عمل در سطحی نزدیک به سقف ظرفیت تولید خود فعالیت کرده است.

با توجه به افزایش قیمت‌های نفت خام از اواخر تابستان ۲۰۰۴ و در ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، به نظر می‌رسد که کشورهای مزبور، در حد توان خود تولید کرده باشند. با استناد به گزارش‌های دبیرخانه اوپک، تولید نفت خام ایران، عراق و لیبی در مارس ۲۰۰۶، به ترتیب ۱/۷۷۳، ۳/۸۵۰ و ۱/۶۸۸ میلیون بشکه در روز بوده است که تولید این کشورها جز لیبی (که در حدود برنامه سال ۲۰۰۰ خود تولید کرده)، کمتر از برنامه تولید این کشورها در سال ۲۰۰۰ بوده است، با این توضیح که طبق برنامه سوم توسعه کشور، تولید نفت خام ایران در سال پایان برنامه (۱۳۸۳) می‌بایست ۵/۹ میلیون بشکه در روز باشد.

۲۴. مزروعی، ۱۳۸۲

25. OPEC, 1995

۲۶. امیر معینی، ۱۳۸۱

انداخته، هزینه‌های هنگفتی به ایران تحمیل کرده است. باید دانست که چنین هزینه‌هایی تنها ناشی از تحریم ایالات متحده بوده است، زیرا دیگر کشورها چون ژاپن، کانادا و اعضای اتحادیه اروپا و کشورهای منطقه و همسایگان ایران هنوز به این تحریمها نیبوسته بوده‌اند.

بنابر این راهکار خردمندانه این است که با پرهیز از برخوردهای احساسی، در راه پاسداری از منافع ملی گام برداریم و با بهره‌گیری از نظر کارشناسان، به بهترین و کم‌هزینه‌ترین گزینه‌ها رو کنیم و در پرتو اعتمادسازی و گفتگوهای سازنده، زمینه برچیده شدن تحریم‌ها را فراهم آوریم؛ هرچند بی‌گمان اعمال تحریم‌های بیشتر در مورد ایران از سوی ایالات متحده و همپیمانانش پیامدهایی ژرف و زیانبار برای امنیت منطقه و نیز امنیت اقتصادی جهان خواهد داشت زیرا ایران کناره شمالی خلیج فارس را در اختیار دارد؛ منطقه‌ای که نزدیک به دو سوم ذخایر نفت خام جهان و بیش از ۴۰ درصد ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان را در خود جای داده است. تنگه هرمز نیز باریکه‌ای است که کمابیش دو سوم تجارت بین‌المللی نفت خام جهان از راه آن صورت می‌پذیرد. بدین سان، هرگونه ماجراجویی در این منطقه حساس، بی‌گمان آثاری سنگین و دیرپا بر بازارهای جهانی انرژی، امنیت عرضه انرژی و اقتصاد جهان خواهد گذاشت.

یادداشت‌ها

۱. علیخانی، ۱۳۸۰

2. Carter, 1992

3. Hufbauer

4. Schott

5. Elliott

6. Hufbauer, ..., 1999

7. Ibid.

8. Megarian

۹. علیخانی، ۱۳۸۰

۱۰. همان.

۱۱. همان.

Cyrus Tess, Winston Elizaeth, (2000), **US Economic Sanctions: Their Impact on Trade, Jobs and Wages**, Institute for International Economics.

16. Hufbauer Gary Clyde, (1999), **Trade as Weapon**, The fred J. Hansen Institute for World Peace, San Diego State University, April 12-18.

17. IMF, **International Financial Statistics**, Annual reports.

18. Kaempfer William H., Lowenberg D., (1992), **International Economic Sanctions**, Westview Press.

19. Levyveld Michal S., (27 June 1996), "Kennedy Presses for tough Libya sanctions", **Journal of Commerce**.

20. Malloy Michael P. (1990), **Economic Sanctions and US Trade**, Little Brown.

21. Mazraati Mohammad, (2003), **Oil Price and OPEC Compliance - A Challenge for Energy Decision Makers**, 26th IAEE Annual International Conference.

22. Nejad- Hosseinian Hadi, (April 2, 1998), **Has the Time Come to Resume The Dialogue?**, Anaheim, California.

23. OPEC, **Oil and Energy Outlook to 2020**, OPEC Secretariate, March 2004.

24. OPEC, **Changing in OPEC's Share of International Demand and their impact on Price and Revenues**, OPEC Secretariate, Research Division, 1995.

25. Porter Edward D., (June 2001), **US Energy Policy, Economic Sanctions and World Oil Supply**, Research Manager, Policy Analysis and Statistics, American Petroleum Institute (API).

26. Schott Jeffery J., (July 23, 1997), **The Iran and Libya Sanctions Act of 1996- Results to Date**, US House of Representatives, Washington DC.,

27. Security Council Summit Declaration", **New Risks for Stability and Security**", **New York Times**, 1 February, 1992.

28. Teslik Kennan Lee, (1982) **Congress, The Executive Branch and Special Interest, The American Response to the Arab Boycott of Israel**, Greenwood Press.

29. US Census Bureau, **US Trade Balance With Iran**, Foreign Trade Division, Data Dissemination Branch, Washington DC.

30. WB, **World Development Report**, Annual reports.

منابع و مأخذ:

۱. امیر معینی مهران، (۱۳۸۱)، «هزینه فرصت ظرفیت مازاد لوبک»، هفتمین کنفرانس بین المللی مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی.

۲. بهروزی فر مرتضی، تحریم های اقتصادی، تولید کنندگان لوبک و بازارهای جهانی انرژی، مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، شهریور ۱۳۸۴.

۳. علیخانی حسین، (۱۳۸۰)، تحریم ایران شکست یک سیاست، ترجمه محمد متقی نژاد، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

4. Askari H, Forrer J, Teegen H, Yang J. (Feb 2003), **US Economic Sanctions: An Empirical Study**, The GW Center for The Study of Globalization.

5. BP, **Bp Statistical Yearbook 2005**.

6. Carter Barry E., (10 August 1992), **International Economic Sanctions: Improving the Erin Day**, Economic Sanctions Imposed by the United States Against Specific Countries; 1979 through 1992, CRS Report for Congress, 92-63 IF.

7. Carter Barry E., (1998) **International Economic Sanctions: Improving the Haphazard US Legal Regime**. Cambridge University Press.

8. Cheney Richard B., (1995) **Defending Liberty on a Global Economy, Growth and Liberty**, CARO Institute, Washington DC.

9. CIA, **World Factbook**, Annual reports.

10. Department of Commerce, **US Jobs Supported by Export of Goods and Services**, Washington, November 1996

11. Elliott Kimberly Ann, (October 23, 1997), **Evidence on The Cost and Benefits of Economic Sanctions**, US House of Representatives, Washington DC.

12. Enav Peter, (1998) **Oil Markets to 2010: The Impact of Non-OPEC Production**. Financial Times Energy.

13. Haass Richard n., (1998), **Economic Sanction and America Policy**, Council on Foreign Relations Boo.

14. Hufbauer Garry Clyde, Schott Jeffrey J. and Elliott Kimbely Ann, (2001), **Economic Sanctions Reconsidered: History and Current Policy**, 3rd Edition, Institute for International Economics.

15. Hufbauer Gary Clyde, Elliott Kimberly Ann,